

سیره اجتماعی مادران اهل بیت علیهم السلام

سیده زهرا اخلاقی*

راضیه فصیحی**

چکیده

مادران ائمه علیهم السلام، از جمله انسان‌های تأثیرگذار در عصر ائمه علیهم السلام به‌شمار می‌آیند و از آنجا که مصداق بارز «ارحام مطهره» هستند، جایگاه بسیار والایی دارند و افزون بر نقش مادری و تربیت فرزندان، که در بخش نهان تاریخ مطرح می‌شود، نقش‌های اجتماعی مؤثری نیز در بخش آشکار تاریخ ایفا نموده‌اند. فعالیت‌های اجتماعی ایشان مانند جناب فاطمه بنت اسد، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، فاطمه بنت الحسن علیهما السلام و ام‌فروه علیها السلام مادر امام صادق علیه السلام که به علت مشخص بودن موقعیت خانوادگی آنان با قبایل غیر عرب، که عمدتاً کنیز و اسیر بوده‌اند، در کنار نقش مادری ایشان قابل ذکر و بررسی است. مادران ائمه اثنی عشری علیهم السلام در این زمینه، بهترین الگوی عملی برای شایستگی‌ها و بایستگی‌های حضور اجتماعی زنان شیعه هستند.

کلید واژه‌ها: مادران، مادران اهل بیت علیهم السلام، سیره اجتماعی.

* دانش‌پژوه مقطع کارشناسی علوم قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه مشهد مقدس.

** دانش‌پژوه مقطع کارشناسی علوم قرآن و حدیث، مدرسه علمیه نجس.

مقدمه

سیره اجتماعی زنان در طول تاریخ، اگر چه مستور و ناگفته مانده است، اما با دقت و ژرفانگری در آنچه امروز در دسترس ما قرار گرفته، می‌توان به اهمیت ویژه آن پی برد. سیره و نقشی که غالباً نادیده گرفته شده و در صورت نبود اهمیت آن آشکار خواهد شد. در عصر کنونی وجود شائعات و تهمت‌های ناروای وارد شده به اسلام خصوصاً تهمت‌هایی که در باب ظلم در حق زن و نادیده گرفتن حق اجتماعی و انسانی وی وارد شده است ما را به آن واداشت که چهره واقعی اسلام را در خصوص حضور زنان در عرصه اجتماع بیان نماییم و شائبه‌های وارد شده را از سیمای پاک اسلام بزدائیم. در این مجال سعی شده است سیره اجتماعی مادران اهل بیت اطهار علیهم السلام را به دلیل اینکه میزبان و مربی مردان الهی و پیشوایان دینی و سیاسی بوده‌اند و در میان دیگر زنان از اهمیت بیشتری برخوردارند و بررسی و مطالعه شخصیت و سیره اجتماعی آنان می‌تواند راه‌گشای ما در تبیین مباحث زنان در اسلام باشد، بپردازیم. این هدف را در دو مرحله در پیش گرفته‌ایم: در مرحله اول به تبیین سیره مادران اهل بیت علیهم السلام پرداخته و این که امامان معصوم علیهم السلام چه رویکردی در رابطه با حضور اجتماعی زنان داشته‌اند را بیان می‌نماییم. در مرحله دوم به چند نمونه از مهم‌ترین مسئولیت‌های اجتماعی مادران اهل بیت علیهم السلام از قبیل روایت حدیث و وکالت از جانب امام و وصایت امام می‌پردازیم. در انتها با شناخت حضور پر رنگ خاندان اهل بیت علیهم السلام در اجتماع و هم‌چنین رضایت اهل بیت علیهم السلام و واگذاری مسئولیت‌ها به ایشان نگرش دین اسلام در مورد زن و حضور وی در اجتماع کاملاً نمایان گشته و راه‌گشای زن مسلمان در تعاملات اجتماعی است، بدین معنا که اسلام با حضور بدون معصیت زن در اجتماع هیچ مخالفتی ندارد و شاهد این مسئله حضور بزرگ زنان تاریخ اسلام در عرصه‌های والای اجتماعی است.

۱- سیره اجتماعی

سیره اجتماعی معصومین علیهم السلام به معنای رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در ارتباط با دیگران است که از ارزش فراوانی برخوردار می‌باشد. نمونه‌های زیادی از سیره اجتماعی

پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام در روایات و متون تاریخ وجود دارند. عفو و گذشت، انفاق در راه خدا و وفای به عهد، برخی از سیره اجتماعی آن بزرگواران می باشد. هر کدام از این رفتارها در عرصه اجتماع، دارای آثار مثبت مهمی است که از سیره ایشان قابل برداشت است.

منظور از سیره اجتماعی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام رفتارهایی است که در ارتباط با اجتماع انجام داده‌اند و بیانگر ارزش‌های دینی و اخلاقی هستند. از آن جا که این گونه رفتارها از معصوم علیهم السلام صادر شده، در اسلام به عنوان «فضیلت اخلاقی» معرفی گردیده‌اند و پیروی از آنها موجب رشد فردی و اجتماعی انسان می‌باشد. البته سیره اجتماعی معصومین علیهم السلام بسیار گسترده است و از آن جا که بررسی همه ی ابعاد آن در این گفتار نمی‌گنجد، به برخی از فرازهای آن اشاره می‌گردد.

۲- زن در نگاه اسلام

زندگی زن در عصر جاهلی مقوله نور و ظلمت و تنها به قصد شناخت ارزش نور می‌باشد، نه شناخت ظلمت و تاریکی. در آستانه بعثت و در آغاز پیدایش آیین انقلابی و سازنده اسلام، جامعه اعراب جاهلی در بیابان‌های خشک و سوزان جزیره العرب به یک زندگی سخت و خشن عادت کرده بود. جامعه مذکر و مرد سالار جامعه زنان در اثر نداشتن ویژگی‌های مردانه از امتیازها و مواهب بسیاری بی‌بهره بود و به حکم کیفیت خلقت و خصوصیات جسمانی‌اش نمی‌توانست در بسیاری از امور حضور موثری داشته باشد، ناچار در پس معرکه می‌ماند و بر اساس همین معیارهای راه، وجود زن فاقد ارزش اجتماعی و شخصیت انسانی شمرده می‌شد. جامعه زنان محکوم به فنا و زوال و به تعبیر قرآن مؤنوده و سزاوار زنده به گور شدن شناخته می‌شد. زن در میان عرب در محرومیت شدید اجتماعی و فرهنگی بسر میبرد. و در انحطاط شدید اخلاقی و محرومیت اجتماعی قرار داشت. در چنین شرایطی و در اجتماعی که کوچک‌ترین توجهی به زنان ندارد دینی ظهور کند که ارزش زنان را چون مردان قرار داده و تنها معیار، تقوا را اصل بداند. بعد از ظهور اسلام زنان می‌توانستند آزادانه به پیامبر رجوع کرده و مسائل خود را با ایشان در میان بگذارند، با ایشان بیعت کنند. و حتی به ایشان اعتراض

کنند. (روحانی، ۱۳۸۲: ۳۱) پایه و منزلت زن تا بدان حد رفیع گشت که برای رفع تهمت از یک زن پاک آیاتی نازل شد. آیات مربوط به افک در سوره نور در همین رابطه نازل شده است. (نور: ۱۱ و ۱۲) همچنین در تاریخ آمده است دو زن در بیعت عقبه به نمایندگی از مردم مدینه با پیامبر بیعت کردند. زنی که با تمام آرزوها زنده به گور می‌شد تا بدانجا راه یافت که چون یک مرد بیعت می‌کرد و در اجتماع خود مشارکت داشت. نه به صورت ظاهری بلکه عملاً در برنامه‌های اجتماع شرکت می‌کرد و البته در کنار آن‌ها همواره تأکید بر بزرگ‌ترین رسالت زنان «پرورش فرزند و همسررداری» می‌شده است. تا بدانجا که نگهداری خانه و فرزندان در نبود همسر، همپای جهادی بود که همسرانشان در آن شرکت می‌کردند.

۳. رویکرد اهل بیت علیهم السلام به حضور بانوان در اجتماع

بررسی آیاتی از قرآن کریم که خلقت زن و مرد را طرح می‌فرماید، نشان می‌دهد که زن و مرد در زمینه انسانیت با هم مشترک‌اند. منشاء خلقت، نفس واحدی است که سرمایه‌های متنوعی در آن تعبیه گردیده است. قرآن وقتی مسئله مرد و زن را مطرح می‌کند می‌گوید این دو را از چهره ذکورت و انوئت شناسید بلکه از چهره انسانیت بشناسید و حقیقت انسان را روح او تشکیل می‌دهد نه بدن او. قرآن حقیقت هر انسانی را روح او و بدن را ابزار روح می‌داند. (مؤمنون: ۱۳) قرآن کریم راه سلوک معنوی را در برابر زنان چنان گشود که از مریم و همسر فرعون به عنوان دو الگو برای همه مومنان یاد کرده است (حدید: ۱۲).

مهم‌ترین شاهد بر جواز حضور زن، آیات سوره نمل درباره فرمانروایی ملکه سبا است، زنی که حاکم سرزمین خود بود و در اعمال حاکمیت از مشورت با بزرگان و سران مملکتی کوتاهی نمی‌کرد. وی شیوه رفتار با پادشاهان را این گونه تحلیل می‌کند:

«قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَ جَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَ كَذَلِكَ يَفْعَلُونَ»

(نمل: ۳۴)

گفت: همانا پادشاهان هنگامی که وارد شهری می‌شوند، آنرا تباه می‌کنند و عزیزان اهلس را به ذلت و خواری می‌نشانند و [آنان] همواره چنین می‌کنند!

این تحلیل مورد تأیید خداوند هم قرار گرفت. هم‌چنین وقتی سلیمان او را به سوی خداوند دعوت کرد، پس از آزمایش سلیمان و ثابت شدن قدرت او، از خورشید پرستی دست برداشت و به آیین خدا پرستی روی آورد. مهم‌ترین پیام آیه معرفی یک زن خردمند است که تحت تاثیر عاطفه‌اش قرار نمی‌گیرد و به خوبی حکومت می‌کند؛ زنی مدبر، فرمانروا و اهل مشورت که هیچ‌گونه مذمتی از خداوند درباره‌اش وارد نشده است.

زن در اسلام، افزون بر مسئولیت‌های اجتماعی با مردان شریک است و انجام این وظیفه - خواه نا خواه - او را از حصار خانه به صحنه‌های اجتماع می‌کشاند. این نه تنها با حفظ حجاب و عفاف که وظیفه دیگر اوست منافات ندارد؛ بلکه او را در انجام بهتر مسئولیت‌های اجتماعی یاری می‌کند. آنچه با انجام به وظایف او منافات دارد، و جوب خانه‌نشینی است؛ امری که اسلام هرگز طرفدار آن نیست. (روحانی، ۱۳۸۲: ۴۲ و ۴۳) و اهل بیت معصومین علیهم‌السلام که نماینده خداوند و اجرا کننده امور خداوند هستند نیز همین سلوک را در پیش گرفتند.

فاطمه زهرا علیها‌السلام چه در دوران کودکی، چه بعد از هجرت پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به مدینه در همه قضایای عمومی آن روز پدرش که مرکز همه حوادث سیاسی بود، نشاندهنده نقش زن در نظام اسلامی است، البته فاطمه زهرا علیها‌السلام قله‌ی این مسائل است، زنان برجسته دیگری هم در صدر اسلام بودند که با معرفت، خرد و علم، حاضر در میدان‌ها، حتی در میدان‌های نبرد، حتی تعدادی که نیروی بدنی داشتند، حاضر در میدان دلاوری در جنگ، شمشیرزنی و سربازی البته این را اسلام برای بانوان واجب نکرده و از دوش آن‌ها برداشته است؛ چون با طبیعت جسمی و نیز با عواطف آن‌ها سازگار نیست. (بانکی‌پور، ۱۳۹۱: ۶۰) در ادامه به دو نمونه از این جریان اشاره می‌کنیم:

۳-۱. حضور زینب کبری علیها‌السلام در عرصه‌های اجتماعی

در این باب حضور پررنگ حضرت زینب کبری علیها‌السلام نوه رسول‌خدا، فرزند امیرالمومنین علیه‌السلام، خواهر حسنین علیهم‌السلام بسیار چشم‌گیر است، در برخی روایات است که او را مجلس علمی بود و زنان به قصد آموختن احکام دین نزد او می‌رفتند. این صفات برجسته که

برای هیچ‌یک از زنان معاصر او فراهم نشده است، زینب علیها السلام را از دیگران ممتاز ساخت؛ چنان‌که او را عقيله بنی‌هاشم می‌گفتند و از وی حدیث فرا می‌گرفتند. و ابن عباس از او حدیث نقل می‌کند و می‌گوید: «عقيله ما، زینب دختر علی علیه السلام حدیث کرد...». و این لقب بر او ماند چنان‌که به عقيله معروف گشت. (ربانی خلخالی، ۱۳۸۷: ۲۰).

و همچنین از جمله مقامات خصوصیه آن مکرمه است نیابت خاصه از طرف برادر، و این رتبت او، قریب مقام امامت بود، و به این مقام از طرف برادر در کربلا و روز عاشورا یا شب آن نایل شده است. چنان‌چه آن مظلومه از مفارقت برادر بی‌تابی می‌نمود. آن حضرت او را به صبر دعوت نمود و این مقام را به او اعطا کرد. و حضرت سید الشهدا علیه السلام علوم را به آن مکرمه سپرده تا از او نقل شود و حضرت سجاد علیه السلام در امان بماند (جزایری، ۱۳۸۳: ۲۵۷-۲۵۸).

و حضرت خطبه‌ی با شکوهی در مجلس یزید خواندند در دفاع از برادر، خدیم بن شریک اسدی می‌گوید: هنگامی که علی بی‌الحسین علیه السلام، زنان را از کربلا آورد، بیمار بود، زنان کوفه چون آنان را دیدند نالیدند و گریبان دریدند و مردان همراه آنان گریستند زینب دختر علی بن ابی‌طالب علیه السلام به مردم اشاره کرد ساکت شوید. به خدا سوگند زن با حیای سخنورتر از او ندیدم، و گویی از زبان و دهان امیر المومنین علیه السلام سخن می‌گفت (درویشی، ۱۳۹۱: ۴۹۶). و در مقام، هیچ‌یک از زنان بنی‌هاشم و غیر آنان در حماسه عاشورا یا دوران اسارت منشأ اثر بودند به مقام و نقش زینب دختر امیر المومنان علی علیه السلام نمی‌رسد. او بود که در جریان اسارت رهبری کاروان را بر عهده گرفت و همان برنامه و هدفی را که برادرش آغاز کرده بود ادامه داد و به خوبی از عهده آن نیز برآمد (فرینانی، ۱۳۹۰: ۱۵۸).

۲-۳. حضور بانو خدیجه در عرصه اجتماع و حمایت پیامبر صلی الله علیه و آله

بانو خدیجه از جنبه‌های گوناگونی در پیشرفت و استواری اسلام نقش سرنوشت‌سازی داشتند. پیش از هر چیز، خدیجه انسان نواندیش و نوگرایی بود که نه تنها به شرایط تیره و تار روزگارش خوش‌بین نبود و آن را نمی‌پسندید، که در بینش و منش و زندگی و عملکرد با مردم

زمانش بسیار متفاوت بود و منتقد و مخالف جریان تاریخ و روند جامعه، به همین دلیل به آیین حق‌گرای ابراهیم ایمان داشت، و همواره با دانشمندان مذهب موسی و مسیح و دانایان عرب در گفت و شنود و در اندیشه راه نجات و رهایی مردم خویش از بلای جهل، شرک، دنباله روی، استبداد و خشونت بود و از شرک‌گرایان و ظالمان و واپسگران سخت بیگانه بود. شرکت مستقیم در مبارزه بزرگ اسلام با کفر، آزادی با استبداد، عدالت با بیداد، برابری خواهی به جای برتری‌جویی، نوگرایی به جای کهنه‌گرایی، زندگی‌خواهی به جای مرگ‌اندیشی، استقلال‌طلبی به جای تحمیل انزوا و تحقیر و زندگی وابسته‌گرایانه و طفیلی به زن، آنگاه نثار ثروت و امکانات و موقعیت و جایگاه و آسایش و رفاه و جان و هستی در راه خدا و آزادی و رستگاری بندگان او کار سترگی است که در عالم زنان تنها از آن بزرگ بانوی نوگرا و آزاده و عدالت‌خواه میسر بود و بس.

درست از این زاویه است که پیامبر همواره او را یار و همپای بی‌بدیل عنوان می‌داد. تا در دنیا بود به او و نام و یاد و هر آن کس و هر آنچه نشان از او داشت بسیار احترام می‌کرد. او را بانوی خرد و کمال، سرمشق ایمان و پروا، آراسته‌ی به ارزش‌های انسانی و معنوی، نمونه‌ی آزادگی و سمبل حق‌طلبی و سالار زنان کمالجو و رشد یافته خواند و از جانب خدا به او درود و سلام آورد. و نوید بهشت و پاداش پر شکوه داد (فروغ آسمان حجاز خدیجه، ۵۱۹).

۳-۳. فاطمه بنت اسد رضی الله عنها مادر امیر المومنین رضی الله عنه

فاطمه بنت اسد رضی الله عنها، مادر امیر المؤمنان رضی الله عنه در دوران عمر خود، حرکت‌های اجتماعی مهمی انجام داد. با یک نگاه کلی به تاریخ صدر اسلام، قبل و بعد از هجرت می‌توان به نقش تاثیرگذار این بانو پی‌برد. به راستی او ایمانش را در مواضع بسیار حساسی نشان داده بود. و هنگامی که یاوران ناتوان می‌گشتند، و دلداری بر جا نمی‌ماند، مادر شیران فاطمه رضی الله عنها به یاری محمد صلی الله علیه و آله و سلم شتافته و فرزندان را به دفاع از او تشجیع می‌کرد و همسرش را به کمک او بر می‌انگیخت به گونه‌ای که آن حضرت در مواقع گوناگون او را مادر می‌نامیدند. و او به هنگام اشکار گشتن دعوتش از نخستین گروندگان بود (بحرالعلوم، ۱۳۸۳: ۵۸). بیعت با رهبر یک ملت و یا امت از امور مهم و مقدماتی برای حضور اجتماعی به شمار می‌رود و اساساً بیعت جنبه

سیاسی دارد، نه اخلاقی زیرا زمانی که فردی با مقتدا و امام خویش بیعت کرد و با او پیمان همراهی و تبعیت امضا نمود، به دنبال این بیعت، باید حرکت‌های دیگری نیز انجام دهد. (طیبی، ۱۳۸۴: ۳۲ تا ۳۷).

۴. حضور مادران اهل بیت علیهم السلام در نقش‌های کلیدی اجتماعی

اهل بیت علیهم السلام نه تنها با حضور زنان در جامعه بدون معصیت مخالفتی نداشتند بلکه خودشان به ایشان چنین اجازه‌ای می‌دادند و به ایشان مسئولیت‌های اجتماعی را نیز واگذار می‌کردند، و چنین نمونه‌هایی در تاریخ معصومین علیهم السلام کم نیستند. و ما به سیره و حضور اجتماعی مادران اهل بیت معصومین علیهم السلام می‌پردازیم و با توجه به گستردگی این مبحث به چند نمونه مهم این سیره می‌پردازیم:

۴-۱. مقام روایت حدیث:

پیامبر عالی‌قدر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «من ادی إلى امتی حدیثاً لتقام به سنه أو تلم به بدعه، فهو فی الجنة.»

هر کس حدیثی را به دیگران منتقل کند، تا بدین وسیله حکم واجبی احیا و استوار گردد، یا با آگاه کردن دیگران روزنه بدعت و انحرافی را مسدود نماید، او را در بهشت جایگزین خواهد گردید. موضوع مهم‌تر در زمینه آموزش حدیث و انتقال دین به دیگران این است، که ناقلان حدیث و احیاگران فکر و فرهنگ، از نظر پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله به عنوان خلیفه‌ها و جانشینان آن حضرت صلی الله علیه و آله معرفی شده‌اند، و رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرموده بود: خداوند، خلیفه‌ها و جانشینان مرا مشمول رحمت خویش قرار دهد. وقتی هم سؤال شد: «منظور از چنین جانشینانی، چه افرادی هستند؟ آن حضرت فرمودند: الذین یتبعون حدیثی و سنتی ثم یعلمونها امتی.»

«آنان کسانی هستند، که از حدیث و سنت و سیره من پیروی می‌کنند، و سپس آن را به دیگران نیز می‌آموزانند.»

در چنین محیط و فضایی بود، که آموختن و آموزاندن علم و دانش، در همه جوانب جامعه نو بنیاد اسلامی، دارای آن چنان تشعشع و تالاول و جاذبه‌ای گردید، که همه طبقات اجتماعی به علم و دانش و نیز انجام رسالت انتقال و آموزش آن، به دیگران روی آوردند. در این میان، زنان نیز که با طلوع آفتاب اسلام، حیات انسانی و مقام والای خویش را باز یافته بودند، همچون مردها پروانه وار گرد وجود نازنین پیامبر ﷺ، به طواف پرداختند و نهاد خویش را با سخنان و راهنمایی‌های نورانی رسول خدا ﷺ نورانی می‌ساختند، و سپس یافته‌ها و اندوخته‌های نورانی خود را به دیگران منتقل می‌کردند. نور می‌افشاندند، زوایای تاریک زندگی دیگران را نورانی می‌گرداندند، و لباس زیبای «روایت حدیث» را به اندام توانای خویش می‌پوشاندند (صادقی اردستانی، ۱۳۸۵: ۱۹-۲۰). نمونه‌هایی از این زنان والا مقام عبارتند از:

محدثه بودن فاطمه زهرا علیها السلام

از امام صادق علیه السلام روایت شده که حضرت فرمودند: «... ان فاطمه علیها السلام مکث بعد رسول الله صلی الله علیه و آله خمسۀ و سبعین یوما و قد کان دخلها حزن شدید علی ابیها، و کان جبرئیل یاتیها فیحسن عزاها علی ابیها، و یطیب نفسها، و یخبرها عن ابیها و مکانه و یخبرها بما یکون بعدها فی ذریتها، و کان علی یکتب ذلک فهذا مصحف فاطمه علیها السلام» (فاطمه علیها السلام بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هفتاد و پنج روز در این دنیا زندگی کرد، در این مدت به خاطر رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حزن و اندوه شدید بر حضرت عارض شد، به همین جهت جبرئیل نزد حضرت حاضر می‌شد و در عزای پدر بزرگوارشان تسلیت می‌داد، گاهی از مقام و منزلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و گاهی از اخبار و وقایعی که در آینده برای فرزندان ایشان حادث می‌شود صحبت می‌نمود و این مطالب را علی علیه السلام می‌نوشت و صحیفه فاطمه علیها السلام تشکیل شد). (کلینی، بی‌تا: ج ۱، ۳۴۶، ح ۲/۳۶۰؛ مجلسی، بی‌تا: ج ۲۲، ۵۴۵، ح ۶۳ و ج ۲۶، ۴۱، ح ۷۲)

همچنین روایتی دیگر از حضرت نقل شده که فرمودند: «فاطمه علیها السلام بنت رسول الله صلی الله علیه و آله کانت محدثه و لم تکن نبیة، انما سمیت فاطمة علیها السلام محدثه، لان الملائكة کانت تهبط من

السماء فتنادیها- كما تنادی مریم بنت عمران ؑ: یا فاطمه ؑ (ان الله اصطفى واصطفاك وطهرک و اصطفىك على نساء العالمين)، یا فاطمه ؑ (اقتی لربک واسجدی وارکعی مع الراكعين) (شبيه آیه ۴۲ و ۴۳ سوره آل عمران) فتحدثهم و يحدثونها، فقالت لهم ذات ليله: اليست المفضلہ على نساء العالمين مریم بنت عمران؟ فقالوا: لا، ان مریم كانت سيده نساء عالمها و ان الله عز و جل جعلك سيده نساء عالمك و عالمها و سيده نساء الاولين و الاخيرين». (فاطمه ؑ دختر رسول خدا ﷺ محدثه بود نه پیامبر. فاطمه ؑ را از این جهت محدثه نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل می‌شدند و با او- همانگونه که با مریم بنت عمران ؑ گفتگو داشتند- این چنین سخن می‌گفتند... یا فاطمه ؑ بدرستی که خدای تعالی تو را پاک و منزّه گردانید و از تمام زنان عالم تو را برگزید...). (همان، ج ۱۴، ۲۰۶؛ ج ۴۳، ۷۸ و ۷۹، ح ۶۵ و ۶۶).

امّ فروه مادر امام صادق ؑ

فاطمه ؑ دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر و فرزند اسماء دختر عبدالرحمن بن ابی بکر که با کنیه امّ فروه ؑ شهرت داشته، مادر امام جعفر صادق ؑ و همسر با فضیلت امام محمد باقر ؑ بوده است. و به همین جهت امام صادق ؑ فرموده است: ولدنی ابوبکر مرتین. یعنی ابوبکر از دو طریق سبب ولادۀ من گردیده است. امّ فروه، مادر امام صادق ؑ اضافه بر مقام بلند عرفانی و تقوی و ارزش‌های عمیق اخلاقی و انسانی، آنطور که کلینی و مامقانی و برقی نوشته‌اند: وی به عنوان بانوی صحابی و راوی حدیث هم از، فرزند عالی مقام خویش امام ششم ؑ معرفی شده است.

این بانوی بلند مقام مادر امام ؑ و همسر امام ؑ است، و آنطور که از مسعودی روایت شده، وی از تمام بانوان عصر خویش، در مقام تقوی و پرهیزگاری سرآمد و ممتاز بوده است. امام صادق ؑ از مادر خود روایت می‌کند، که وی از همسر خود امام باقر ؑ بازگو کرده، که آن حضرت فرموده است: من در شبانه روز هزار بار برای شیعیان گناهکار خود دعا می‌کنم، و

از درگاه الهی برای آنان در خواست آموزش می‌نمایم، زیرا ما در برابر مصایب و مشکلاتی که مشاهده می‌کنیم، صبر پیشه می‌سازیم درحالی‌که عالم و آگاه به اجر و پاداش الهی هستیم، اما شیعیان ما، چنین علم و دانشی را ندارند و فقط به خاطر پیروی و اطاعت از ما، برای حفظ عقیده و دینداری خود، هر گونه سختی و مشقتی را تحمل می‌نمایند (صادقی اردستانی، ۱۳۸۵: ۳۱۲-۳۱۳).

فاطمه بنت الحسن علیها السلام مادر باقر العلوم علیه السلام

یکی از این فرزندان دختر امام مجتبی علیه السلام همسر امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام است. این بانوی کریمه، که تالوؤ معنویت او در طول تاریخ اسلام نورافشانی کرده است، از خاندان پاک رسالت و عصمت است. و در شرافت و حیاء و عفت سرآمد زنان عصر خود بوده است. برای او اوصافی همچون: فاضله، عالمه، صالحه، صدیقه، پارسا و پرهیزگار شمرده‌اند. این ریحانه امام حسن مجتبی علیه السلام صاحب مقامات معنوی و کرامات بوده است. به گونه‌ای که با اشاره دستش دیوار در حال ریزش بین زمین و آسمان معلق ماند. مقام والای او آن چنان است که تا مرز عصمت پیش رفته است و نسبتی این چنین شایسته دارد:

دختر، همسر و مادر امام علیه السلام؛ کسانی که آیه تطهیر در شأن و مقامشان نازل شده است. در خانه‌هایی زندگی می‌کرده که اهل آن، در عبادت، از برگزیدگان خلق بوده‌اند. و از جهتی این بانوی بزرگوار، مصداق «ارحام مطهره» است که در زیارت وارث وارد شده است. کتاب «محدثات شیعه» از فاطمه همسر امام سجاد علیه السلام به نام «محدثه» یاد شده است (44).

گرچه در کتاب محدثات شیعه، مستندی برای احادیث این بانوی گرانقدر ذکر نشده است؛ ولی در کتاب شریف بحار الانوار، روایتی در باره علامات ظهور امام زمان علیه السلام از ایشان نقل شده است. (پیام زن-آبان ۱۳۸۰، شماره ۱۱۶).

نَجْمَه (أُمّ الْبَنین) علیها السلام، مادر امام رضا علیه السلام

شیخ صدوق به اسناد خود حدیثی درباره وی نقل کرده است که ترجمه مضمون آن چنین است: حمیده المصفاة، مادر امام موسی بن جعفر علیه السلام، کنیزی که از اشراف عجم بود و در بین

عرب‌ها متولد شده و با فرزندان آن‌ها رشد و نمو کرده و نزد ایشان تربیت شده بود خریداری و آن را به فرزندش موسی علیه السلام هدیه کرد و به آن حضرت گفت: کنیزی برتر از این ندیده‌ام و شکی نیست که خداوند متعال به‌زودی نسل وی را آشکار خواهد ساخت. شیخ صدوق همچنین حدیث دیگری به اسناد خود از علی بن میثم از پدرش نقل می‌کند که ترجمه مضمون آن چنین است: هنگامی که حمیده مادر موسی بن جعفر علیه السلام، نجمه، ام‌الرضا علیها السلام را که کنیزی بود خریداری کرد، پس از آن رسول الله صلی الله علیه و آله را در خواب دید که به او فرمود: ای حمیده، نجمه را به فرزندم موسی هدیه کن؛ زیرا او بهترین خلق روی زمین را به دنیا خواهد آورد. حمیده، نجمه را به فرزندش بخشید. سپس علی بن میثم گوید: از پدرم و او هم از مادرش شنیده بود که نجمه هنگامی که حمیده او را خرید، دوشیزه بود.

ارزش و مقام ام‌البنین (نجمه) نزد خداوند متعال، از موقعیتی که به او عطا فرمود و او را در کنار امام و مادر امام علیه السلام قرار داد، روشن و آشکار می‌شود. این شرف و افتخار او را بس که مادر امام علی بن موسی‌الرضا علیه السلام است. وی زنی بسیار پارسا و متقی و از راویان فرزندش امام رضا علیه السلام بود و جدّه علی بن میثم از این بانو روایت کرده است.

شیخ صدوق به اسناد خود از علی بن میثم از پدرش و او از مادرش (یعنی جدّه علی بن میثم) نقل کرده است که گفت: «سَمِعْتُ نَجْمَةَ أُمِّ الرِّضَاءِ علیها السلام تَقُولُ: لَمَّا حَمَلْتُ بِإِبْنِي عَلِيٍّ لَمْ أَشْعُرْ بِثِقَلِ الْحَمْلِ، وَكُنْتُ أَسْمَعُ فِي مَنْامِي تَسْبِيحاً وَ تَهْلِيلاً وَ تَمْجِيداً مِنْ بَطْنِي فَيُفْرَعُنِي ذَلِكَ وَ يَهْوُلُنِي فَإِذَا إِنْتَبَهْتُ لَمْ أَسْمَعْ شَيْئاً، فَلَمَّا وَضَعْتُهُ وَقَعَ عَلَيَّ الْأَرْضِ وَاضِعاً يَدَيْهِ عَلَيَّ الْأَرْضِ رَافِعاً رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ يُحَرِّكُ شَفْتَيْهِ كَأَنَّهُ يَتَكَلَّمُ فَدَخَلَ إِلَيَّ أَبُوهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ لِي: هُنِيأ لَكَ يَا نَجْمَةُ كِرَامَةِ رَبِّكَ. فَنَاوَلْتَهُ إِبَاهُ فِي خَرَقَةٍ بِيضَاءٍ فَأَذَّنَ فِي أُذُنِهِ لَايْمَنٍ وَأَقَامَ فِي الْأَيْسَرِ وَ دَعَا بِمَاءِ الْفُرَاتِ فَحَنَكَهُ بِهِ، ثُمَّ رَدَّهُ إِلَيَّ فَقَالَ: خُذِيهِ فَإِنَّهُ بَقِيَّةُ اللَّهِ تَعَالَى فِي أَرْضِهِ»؛ شنیدم نجمه، مادر امام رضا علیه السلام، می‌گفت: هنگامی که به فرزندم علی حامله شدم، سنگینی بارداری را حس نمی‌کردم و در خواب صدای تسبیح و تهللیف و تعریف و

تمجید خداوند را از درون شکمم می‌شنیدم که مرا ترسانده بود. هنگامی که متوجه شدم حامله هستم، چیزی نمی‌شنیدم. چون به دنیا آمد، دست‌هایش بر زمین گسترده و سرش به طرف آسمان بلند بود و لبانش تکان می‌خورد و گویا سخن می‌گفت. پدرش موسی بن جعفر وارد شد و به من فرمود: گوارا باد بر تو کرامت پروردگارت ای نجمه! او را در پارچه سفیدی پیچیدم و امام علیه السلام در گوش راست (مولود) اذان گفت و در گوش چپ اقامه، و آب فرات خواست و آن را به سقف و اطراف دهان مولود مالید و پس از آن او را به من بازگرداند و فرمود: بگیر او را که نماینده خداوند متعال در زمین است.

۴-۲. وکالت

سازمان وکالت، مجموعه‌ای متشکل از امامان معصوم علیهم السلام و عده‌ای از پیروان نزدیک و وفادار آنان بود که با همکاری یکدیگر، تشکیلات هماهنگ و منسجمی را پدید آوردند تا با اتکا بر آن پیشبرد اهداف دینی خود را محقق سازند. وظایف این سازمان به امور مالی منحصر نبود و وظایف سیاسی، دینی و ارشادی را نیز شامل می‌شد. این تشکیلات از نیمه دوم عصر امامت، یعنی از زمان امام صادق علیه السلام به بعد آغاز به کار نمود و رفته رفته دارای نظم و گستردگی و هماهنگی بیشتری شد و تا پایان عصر غیبت صغرا استمرار داشت. در عصر امام کاظم علیه السلام، این سازمان با مشکلاتی همچون دستگیری و شکنجه حضرت علیه السلام و برخی از وکلا مواجه شد، ولی نواحی زیر پوشش وکلا و محدوده اقتدار آنان با تشدید فعالیت‌ها گسترش می‌یافت. وکلای آن حضرت علیه السلام در نقاطی مثل کوفه، بغداد، مدینه، مصر و برخی نقاط دیگر به فعالیت مشغول بودند. آن حضرت علیه السلام با وجود حبس و فشارهای موجود، توانستند تشکیلاتی را که پدر بزرگوارشان تأسیس کرده بودند، نه تنها حفظ کنند بلکه آن را گسترش دهند. در میان

مادران اهل بیت علیهم السلام نیز حضور داشتند که عهده‌دار این مسئولیت عظیم شدند. (طیبی، ۱۳۹۲: شماره ۵۳، ۲۱۸).

حمیده علیها السلام مادر امام کاظم علیه السلام

کلینی روایتی را به سند خود از عبدالله کاهلی نقل می‌کند که گفت: همسر من و همسر ابن مارد برای عزاداری‌ها از خانه خارج می‌شدند و ما می‌گفتیم که این عمل حرام است و گفتند: پس وقتی کسی از ما از دنیا رفت آیا به دنبال او نرویم؟

سپس وی گفت: امام کاظم علیه السلام فرمود: «عن حقوق لتسألنی کان ابی لیبیث امی و ام فروه تقضیان حقوق اهل المدینه»؛ از من درباره حقوق می‌پرسید، پدرم برای اعطای حقوق اهل مدینه مادرم و ام‌فروه را می‌فرستاد. شیخ حر عاملی در بحث جواز خروج زنان در عزاداری‌ها، برای ادای حقوق دیگران به این روایت استناد می‌کند. از حدیث مذکور می‌توان میزان اعتماد امام صادق علیه السلام به همسر بزرگوارش، بانو حمیده را دریافت به علاوه انجام دادن این کار در اوضاع سخت سیاسی-اجتماعی و فرهنگی آن دوره به تدبیر و دانش و شجاعت نیاز داشت و اگر این ویژگی در بانو نبود، امام علیه السلام وی را برای اعطای حقوق مردم نمی‌فرستاد (طیبی، ۱۳۹۲: شماره ۵۳، ۲۱۴).

۳-۴. مقام وصایت امام علیه السلام

حمیده علیها السلام مادر امام موسی کاظم علیه السلام

حمیده علیها السلام همسر امام صادق علیه السلام وصی ایشان بودند، منصور عباسی پس از آن که دستور کشتن امام صادق علیه السلام را می‌دهد، از فرماندار مدینه می‌خواهد تا وصیت امام صادق علیه السلام را ببیند و پس از شناسایی وصی آن حضرت وی را بکشد. محمد بن سلیمان، فرماندار مدینه پس از دیدن اسامی افرادی که در وصیت نامه امام علیه السلام به عنوان وصی از آن‌ها یاد شده، برای منصور دوانیقی می‌نویسد که جعفر بن محمد پنج نفر را به عنوان وصی انتخاب کرده است:

منصور دوانیقی، محمد بن سلیمان ، عبد الله بن جعفر (دو پسرش) و حمیده (همسرش) سپس وی از منصور می‌پرسد که کدام یک را بکشد.

گر چه وصیت امام علیه السلام به چهار نفر دیگر غیر از موسی بن جعفر علیه السلام، حرکتی سیاسی برای حفظ جان امام علیه السلام پس از خویش و از باب تقیه بوده، اصل این عمل در مورد حمیده، نشان-دهنده عظمت شخصیت این بانو و جایگاه و مقام او در نزد امام علیه السلام و نیز مردم عصر اوست و نکته جالب توجه این که حرکت سیاسی یاد شده، دوبار دیگر در تاریخ ائمه علیهم السلام اتفاق افتاد: یک بار در مورد امام حسین علیه السلام که حضرت زینب علیها السلام را وصی خود قرار دادند و بار دیگر در مورد حدیث علیها السلام مادر امام حسن عسکری علیه السلام . به نظر می‌رسد با مقایسه اوضاع اجتماعی شیعیان در عصر سه امام علیهم السلام مذکور و نیز نوع برخورد خلفای وقت با علویان، دلیل شباهت نوع عمل آنان در تعیین وصی را می‌توان دریافت. با دقت در منابع مربوط به تاریخ تشیع، می‌توان دریافت که سال‌های ۶۱، ۱۴۸ و ۲۶۰ ق، از حساس‌ترین دوران امامت امامان شیعه علیهم السلام بوده است. پس از شهادت امام حسین علیه السلام تنها یک بازمانده از نسل امام علیه السلام وجود داشت که باید برای هدایت جامعه اسلامی زنده می‌ماند و بیماری امام سجاد علیه السلام و وصی قرار دادن حضرت زینب علیها السلام می‌توانست به انحراف ذهن دشمن بینجامد و زمینه‌ای برای حفظ جان وی باشد. و بنابر قول مشهور، امام زمان نیز تنها فرزند امام عسکری علیه السلام و آخرین ذخیره الهی برای ختم سلسله امامت بودند و حفظ جان ایشان از اهم مسائل زمان به شمار می‌رفت. از این رو، سیاست این دو امام علیهم السلام شبیه هم است.

سوسن علیها السلام مادر امام حسن عسکری علیه السلام

همسر امام هادی علیه السلام سوسن نام داشت. وی کنیزی از اهالی نوبه بود. دست تقدیر او را به مدینه و خانه امام هادی علیه السلام رساند و پس از مدتی امام حسن عسکری علیه السلام از او متولد شد. شیخ مفید می گوید: برخی موضوع وصیت امام عسکری علیه السلام به مادرش در امر وقوف صدقات را دلیل بر انکار ولادت حضرت مهدی علیه السلام گرفته اند در حالی که هرگز چنین دلالتی ندارد؛ زیرا این کار به جهت اخفای ولادت و مستور نمودن امر حضرت از دستگاه حاکم بوده است. اگر در وصیت نامه حضرت، نام مهدی ذکر می شد به طور حتم با غرض حضرت از محافظت فرزندش منافات داشت. خصوصاً آن وقت که وصیت احتیاج به شهادت شهود از خواص دولت بنی عباس بود تا بر اصل وصیت گواهی داده و بر آن امضا کنند (تولد حضرت مهدی علیه السلام، رضوانی، ص ۵۸).

وی از زنان عارف و فاضل عصر خود و به نام های «سلیل، حدیثه، حریبه» معروف و مشهور بود. قبل از آنکه امام هادی علیه السلام با آن خانم ازدواج کند، امام جواد علیه السلام در وصف آن بانو گفت: «سلیل»، یعنی بیرون کشیده از هر آفت و پلیدی و ناپاکی (بعد، از آینده او خبر داد (و فرمود: ای سلیل! زود است خداوند به تو، حجت خود را عطا فرماید که زمین را از عدل پر کند، بعد از آنکه از ستم پر شده باشد. همچنین امام هادی علیه السلام او را ستود و درباره او فرمود: «سلولُ مسلولةٌ من الآفات و الانجاس»؛ سلول (یکی از القاب سوسن) از بدی ها و آلودگی ها پاک است. سوسن به قدری با فضیلت بود که وقتی امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید، به عنوان پناهگاه شیعیان به شمار می آمد. احمد بن ابراهیم می گوید: از حکیمه دختر امام جواد علیه السلام پرسیدم: در این دوران اضطراب و نگرانی شیعه (دوران غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام) شیعیان به چه کسی مراجعه کنند؟ در جواب فرمود: «الی الجدة أمّ ابی محمد». در سال

۱. نوبه، نام سرزمین وسیعی در جنوب مصر است. رسول گرامی اسلام اهالی آن دیار را ستود و درباره آنها فرمود: من لم یکن له أخ فلیتخذ أخاً من النوبة. هر کس برادری ندارد شخصی از اهالی نوبه را به برادری بگیرد.

۲۵۹ ق. امام حسن عسکری علیه السلام، سوسن و امام زمان را به سفر حج فرستاد و قبل از حرکت، اسم اعظم، سلاح و... را به حضرت مهدی واگذار فرمود. سوسن و نوه گرامی اش، به سفر مکه مشرف شدند و سپس به مدینه رفتند. در آن جا باخبر شد که فرزند دلبندهش به شهادت رسیده است؛ پس با عجله به طرف سامرا حرکت کرد. هنگامی که به سامرا رسید، متوجه شد جعفر کذاب ادعای ارث و وصایت حضرت امام حسن علیه السلام دارد و خود را وصی و وارث امام علیه السلام معرفی می‌کند. سوسن نزد جعفر کذاب رفته و فرمود: «وصی امام حسن علیه السلام من هستم». جعفر قبول نکرد. وی برای اثبات مدعای خود، نزد «ابوالشوارب»، قاضی سامرا، رفت و وصایت خود را به اثبات رساند (کشف الغمه، ج ۳، ص ۱۹۷؛ منتهی الآمال، ج ۲، ص ۷۰۱). شیخ صدوق: «این نهایت شرف، جلال، فضل و کرامت است که وی واسطه بین امام علیه السلام و امت بوده و شایستگی حفظ اسرار امامت و وصیت را داشته است» (مجلات، ۱۳۸۵: ج ۳، ۲۵؛ به نقل از اکمال الدین).

نتیجه

الگوخواهی از نیازهای واقعی انسان است. به همین جهت انسان‌ها کوشیده‌اند در زندگی خود الگو و معیاری برگزینند تا گفتار و رفتار خود را در همه شئون و زمینه‌ها بر اساس آن تنظیم کنند. اگر الگوی شایسته ارائه نشود انسان‌ها ممکن است افرادی را به عنوان الگو برگزینند که هیچ‌گونه شایستگی نداشته باشند. اسلام با توجه به این نیازها الگوهایی را معرفی کرده است، بدون تردید ائمه اطهار علیهم السلام و مادران بزرگوارشان الگوی جامع کاملی برای مسلمانان به ویژه شیعیان بلکه جهان بشری به شمار می‌آیند. و با تبیین و واضح نمودن سیره این بزرگواران می‌توان الگودهی صحیحی به جامعه داشت علی‌الخصوص در باب حضور بانوان در عرصه اجتماع که محل مناقشه بسیار است و بعضی متدینین تندرو از حضور زنان در اجتماع جلوگیری کرده و مانع حضور ایشان می‌شوند. اما با آشکار شدن جوانب حضور گسترده و همه جانبه مادران اهل بیت اطهار علیهم السلام در جامعه و ایفا نمودن نقش‌های کلیدی در جامعه هم پاسخی به افراطها و تفریطها داشت و هم الگوی عملی و دینی و اسلامی به بانوان شیعه و

مسلمان ارائه خواهیم داد. بنابراین ائمه معصومین علیهم السلام نه تنها از حضور بانوان جلوگیری نکرده‌اند بلکه خود به ایشان مسئولیت‌های اجتماعی را محول می‌نمودند. و بایسته است جهان اسلام از نیرو و توان عظیم زنان در عرصه‌های اجتماعی استفاده کرده و در اجتماع نه تنها مانع حضور تاثیرگذار زنان نباشند بلکه مشوق و زمینه‌ساز حضورشان شوند، زیرا در بسیاری از مسائل حضور یک زن با خرد و کاردان بسیار کارساز و مؤثر است.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، موعود، بهر ۸۵
- العین، خلیل ابن احمد فراهیدی، اسوه، ۱۴۲۵ ق.
- ریاحین الشریعه، محلاتی، ذبیح الله، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.
- لسان العرب، ابن منظور، لبنان: موسسه علمی مطبوعات، ۱۴۲۶ ق.
- دائره المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، شایان مهر، علیرضا، کیهان، چ اول، ۱۳۷۷.
- سیری در سیره نبوی، مطهری، مرتضی، صدرا، چاپ ۴۱، اسفند ۱۳۸۵.
- سیره عملی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در خانواده، محمد جمعه شیخ زاده، جامعه المصطفیٰ العالمیه، چ اول، ۱۳۸۸.
- زنان نامی در فرهنگ و تاریخ و تمدن اسلامی، عقیقی بخشایشی، چ اول، ۱۳۸۲.
- امام علی علیه السلام و اخلاق اسلامی، محمد دشتی، امیرالمومنین، تابستان ۸۸
- در آمدی به سیره اهل بیت علیهم السلام حسین عبدالمحمدی، چاپ اول، مرکز بیت الملی ترجمه و نشر المصطفیٰ صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۹.
- زنان دانشمند و راوی حدیث، صادقی اردستانی، احمد، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۵.
- مجله پیام زن، آبان ۱۳۸۰، شماره ۱۱۶.
- فصلنامه تاریخ اسلام، ناهید طیبی، شماره ۵۳، بهار ۱۳۹۲، ص ۲۱۴.
- تولد حضرت مهدی علیه السلام، رضوانی، علی اصغر، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵.
- زنان صدر اسلام، بحر العلوم، محمد، تهران: حکمت، ۱۳۸۳.
- مجله بانوان شیعه، ناهید طیبی، مادران امامان شیعه علیهم السلام و نقش های سیاسی اجتماعی آنان، شماره ۷۰۶، زمستان ۱۳۸۴.
- فروع آسمان حجاز خدیجه، دفتر فرهنگی نسیم انتظار،

— چهره درخشان عقیده بنی هاشم زینب کبری علیها السلام ربّانی خلخالی، علی، قم: مکتب الحسین، ۱۳۸۷.

— خصایص زینبیه، جزایری، نورالدین، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۳.

— دانش نامه خردمند بانوی خاندان وحی، درویشی، هادی، قم: وحدت بخش، ۱۳۹۱.

— نقش زنان در حماسه عاشورا، صادق فرینانی، محمد، بوستان کتاب، ۱۳۹۰.

— زنان دین گستر در تاریخ اسلام، روحانی، طاهره، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۲.

— نقش ورسالت زنان برگزیده (بیانات آیه الله خامنه‌ای)، بانکی پور، امیرحسین، انقلاب اسلامی، ۱۳۹۱.

— <http://mavaez.ir/post/380/%D9%85%D8%A7%D8%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D8%A7%D8%A6%D9%85%D9%87%20%28%D8%B9%29>
تاریخ: دو شنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۳ htm